

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷  
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸  
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترق

## روزنامه

پنجشنبه ۶ دی ۱۴۰۳ • ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۱۰ • صفحه ۱۲  
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳



مراسم بدرقه زندead زاله علو، هنرمند پیش‌کسوت تئاتر، رادیو، تلویزیون و سینما صبح چهارشنبه از مقابل تالار وحدت با حضور جمعی از هنرمندان و مسئولان از جمله فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت برپا شد. پیکر این هنرمند که روز دوشنبه در ۹۷ سالگی درگذشت، در قطعه هنرمندان بهشت زهرا آرام گرفت. عکس: علی شریف‌زاده، ایرنا

instagram:sharghdaily1 | twitter:sharghdaily | youtube:sharghdaily | Telegram:SharghDaily | aparat:tasvirshargh | www.sharghdaily.com

## کدام نماد ایران



احمد مسجدجامعی

علاقه‌مند تأثیر تمام دارد و همین‌ها هستند که مناسبت‌هایی از این دست را رونق می‌دهند. چندی پیش یکی از کارگردان‌های ایران، فیلمی در جشنواره‌های خارجی عرضه کرد که در آن، کودگانی در خیابان پاکت‌هایی را به خریدارانی می‌فروختند. من امسال هم در همین شب‌ها، در خیابان کریم‌خان راسته کتاب‌فروشی‌ها، مشتری یکی از همان کودکان بودم که ابتکاری به خرج داده و به شکلی قدیمی‌تر یعنی طومار، آن فال را پیچیده و دور آن نخ‌ها با الیاف طبیعی بسته بود. رنگ و جنس کاغذ چنان بود که اسناد قدیمی را تداعی می‌کرد و با خط خوش نستعلیق غزلی از حافظ با شرح آن آورده بود. به هر حال آقای اصغر فرهادی، کارگردان جهانی ایران، در برابر چشمان خیره بینندگان آن اثر هنری می‌گوید که این بسته‌ها مواد مخدر نیست، اینها فال حافظ است و چون می‌پرسند فال چیست، توضیح می‌دهد: می‌پرسند یعنی در کشور شما -ایران- مردم کوچه و بازار پول می‌دهند و ورقی شعر می‌خرند؟ پاسخ آن قدر جالب بوده که پرسشگر آن را برای همه میهمانان دیگر کشورها تعریف می‌کند. باری مردم ایران طی سده‌ها حافظ را هم وطن و هم‌زبان و همراه و هم‌راز خود دانسته‌اند. حافظ یکی از رموز وحدت ملی ماست. حافظ است که «الف» آن نام قدسی را چنین وصف می‌کند:

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار / چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

این ایرانی است که اعجاب جهانیان را برمی‌انگیزد.

در تصویری که این روزها بر دیوار بزرگ و بلند ساختمانی دولتی در یکی از میدان‌های اصلی پایتخت نقش بسته، موشک، محور آرم جمهوری اسلامی قرار گرفته و جای «الف قامت یار» ایستاده است. این آرم نشانه‌ای است که همواره دلالت‌های دینی و ملی داشت و به معنای زیبایی‌شناختی و تمدنی آن می‌پرداختیم و در کل تلاش داشتیم فهمی متناسب با باورها و نگرش‌های ایرانیان فراهم کنیم. در آغاز کتاب‌های درسی نیز یکی، دو صفحه به توضیح این معانی پرداخته بودند.

نکته آنکه کیسینجر، یکی از طراحان سیاست خارجی آمریکا، در سال‌های آغازین انقلاب گفته بود شیر انقلاب در ایران گر گرفته و باید آن را خاموش کرد. مقامات ایرانی به این نظر پاسخ می‌دادند، اینک ما همان سخن را در قالب جدیدی تأیید می‌کنیم؛ درواقع همان تصویر ایران‌هراسی که رسانه‌های غربی سال‌هاست از ما ساخته‌اند، می‌پذیریم و تکرار می‌کنیم. البته انتقال پیام قدرت هم یک ضرورت سیاسی است که در جای خود درخور توجه است. اما از یاد نبریم که ایران نماد فرهنگ، هنر، اخلاق و انسانیت است و نشانه ملی آن نمی‌تواند موشک باشد. متأسفانه در ابعاد وسیعی با ایران برخورد می‌کنند. گسترش فضای مجازی به این وضع از یک سو دامن زده و از طرف دیگر، امکانی برای تئوسیر افکار به وجود آورده است. این روزها که ایرانیان در همه جا با فال حافظ شب‌های چله و شب یلدا را سپری می‌کنند، بیکاره در همین فضا، کسی مدعی می‌شود که حافظ ایرانی نیست و ایران مفهومی صدساله و

### هنرخوانی

## پیکر زنده یاد ژاله علو با اندوه تشییع شد

مراسم وداع با پیکر زنده‌یاد ژاله علو، صداییشه، بازیگر و مدیر دوبلاژ سابقه‌ای ایران، در تالار وحدت برگزار شد. شنیدن صدای دلنشین بانو علو از بلندگوهای منتهی به خیابان‌های اطراف تالار وحدت این بار حس‌وحال غریبی داشت. صدایی که در حافظه تصویری هریک از ما جایگاه ویژه‌ای دارد. طنین تلاوت قرآن، چهره‌های غمگینی که برای تشییع پیکر بانو علو دور هم جمع شده بودند و حضور دوستان و همکاران نزدیکش که علو را بیش از هر چیز مادر و معلمی مهربان توصیف می‌کردند، غم فقدان او را چند برابر می‌کرد.

شهین نجف‌زاده، صداییشه و بازیگر، از جمله سخنرانان حاضر در مراسم بود. او در صحبت‌های کوتاهی گفت: «همه از رفتن بانوی نور، شعر و شور اقتدار و افتخار غمگین هستیم. نوری که در وجود ایشان روشن شد و همه از نور وجود او سرمست بودیم. دریغ که اسطوره‌ای را از دست دادیم. رادیو به‌ویژه رادیو نمایش خانه اول او بود و حتی همین اواخر که کار سینما و دوبله انجام نمی‌داد، گاهی به میدان آرک می‌آمدند. استودیو شماره هشت مملو از خاطرات ایشان است. هنرمندان پیش‌کسوت زنده را دریابیم و تلاش کنیم هنر را از ابتدال دور نگه داریم».

مسعود فروتن هم در سخنان کوتاهی گفت: «سال‌ها پیش در شهرستان زندگی می‌کردیم و تنها وسیله سرگرمی‌مان رادیو بود و شب‌ها پای آن بودیم و در تیتراژ نمایش‌ها همیشه می‌گفت با شرکت ژاله علو و برای من سؤال بود. او کیست که بعد فهمیدم دوبلور، بازیگر و گوینده است. چند سال بعد به تهران آمدم و وارد کار در صداوسیما شدم و او را از نزدیک دیدم. در راهروهای رادیو می‌ایستادم که به ایشان سلام کنم و افتخارم بود که جواب‌مان را بدهد. او رادیو را دوست داشت و آن را خانه خود می‌دانست و لیاقت داشتیم سال‌ها با او هم‌کلام شویم. ژاله هنوز هست، چون صدایش هست و حضورش هنوز احساس می‌شود».

ابوالحسن تهامی‌نژاد، دوبلور پیش‌کسوت، نیز در ادامه گفت: «او را ابتدا شوکت نام گذاشتند، چون می‌دانستند چه بزرگی به جهان پای گذاشته است. خدایند بسیار بر او مهر می‌ورزید که ۹۷ سال با عزت و با عطا کرد. صدای ویژه‌ای داشت که در میان صدا تمایز و زیبا بود. ژاله علو جای ستارگان بزرگ سینمای جهان صحبت می‌کرد. زمانی که تازه وارد کار گویندگی شدم، تصور نمی‌کردم ایشان که هنرمندی حرفه‌ای بود، با یک تازه‌کار همکاری کنند ولی مایه افتخارم هست که این همکاری شکل گرفت و ادامه پیدا کرد».

بهزاد فراهانی نیز در این مراسم حضور داشت و تأکید کرد که شاگرد دهه ۴۰ بانو علو بوده و از او بسیار آموخته است. فراهانی ادامه داد: «سخنرانی بلد نیستیم، چون فکر می‌کنم نیازی نیست و کسانی که با او کار کرده‌اند، می‌دانند چه عزیز از دست داده‌ایم. شیوه آموزشی ایشان به گونه‌ای بود که از ذهن بیرون نمی‌رفت. ایشان تحلیل و اندیشه را به ما آموزش داد. واژه را تحلیل می‌کرد و گاه روی حروف آن چنان تأکید می‌کرد که درک دیگری منتقل می‌کرد. سر تمرین‌های نمایش‌های او عشق به کار مطرح بود».

بهزاد فراهانی خطاب به وزیر ارشاد و معاونت هنری گفت: «توصیه می‌کنم حرمت این بانو را با نصب مجسمه ایشان در مقابل استودیوی هشت به ما نشان بدهید. برای حفظ بزرگی باید عاشق مردم باشیم. اگر کشور ما بودجه ساخت تندیس خانم علو را ندارد، ما بچه‌های قدیمی رادیو حاضرمی‌مخارج ساخت آن را برعهده بگیریم. درود بر ژاله علو که معلم ما بود و درود بر ما که افتخاری بهتر از این نداریم».

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، نیز در سخنان کوتاهی گفت: «من خانم علو را روی صحنه تئاتر و از دریچه تلویزیون دیده‌ام. من هم از کارهایش مهربانی، نظم، دقت و شفق را برداشت کردم و جز این نبود. مصداق شعر مولانا بود که «مرگ اگر مرد است، گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ». او با اشاره به صحبت‌های بهزاد فراهانی گفت: «فرمایش استاد فراهانی به دیده ما، حتماً انجام خواهد شد». او افزود: «هنرمندی که همه ذوق و قریحه خداوندی خود را در شعر، سینما و گویندگی به کار برد و در همه این امور موفق باشد، چنین هنرمندی از مرگ ترسی ندارد؛ زیرا نقشی از مهر را بر جان‌ها نهاده که هرگز میرا نیست. علو او از جان بی‌حسدی است که داشته و مهری که با مردم داشته است».

ایرج راد نیز در صحبت‌های کوتاهی گفت: «او انسان بزرگ و والایی بود که امروز جایگاه ارزشمندی را در تاریخ هنر ایران رقم زده است. فقط هنرمند بودن مهم نیست و در پس آن انسان بودن اهمیت دارد و ژاله علو یک انسان به تمام معنا بود و امروز در مقابل آنچه با عشق برای مردم انجام داد، تعظیم می‌کنیم. در پایان مراسم پیکر زنده‌یاد ژاله علو به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) بدرقه شد».

### شبکه‌خوانی

## واکنش‌ها به یک رقص

چند روز پیش در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی از برگزاری رقص محلی دسته‌جمعی دانش‌آموزان پسر در مدرسه‌ای در بابل منتشر و با استقبال روبه‌رو شد. البته برخی از آن به‌عنوان «آموزش رقص در مدرسه» یاد کردند. کمی بعد اداره آموزش و پرورش بابل اعلام کرد «با عاملان این قانون‌شکنی برخورد می‌کنیم». در اطلاعیه‌ای که همشهری به نقل از کانال اطلاع‌رسانی این اداره منتشر کرده، آمده است: «پس از احتضار و ابلاغ تذکر به مسئولان مدرسه، موضوع برای انجام پیکری‌های دقیق‌تر به مسئولان نظارتی ارجاع شد که به‌طور قطع بر اساس ضوابط و مقررات، اقدام‌های لازم انجام خواهد شد».

این روند پرش‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی به وجود آورد که به دو واکنش اشاره می‌شود.

حسین سلاح‌ورزی، رئیس پیشین اتاق بازرگانی، این سؤالات را در این‌باره مطرح کرد: «جشنی در یکی از مدارس برپا شده و برخی از نونهالان ایران زمین شادی کرده‌اند. آموزش و پرورش آقای پزشک‌یان فریاد و اسلاما سر داده که «برخورد می‌کنیم!» یا چه برخورد می‌کنید؟! یا کی برخورد می‌کنید؟! اصلاً چرا باید برخورد کنید؟! چه جایبندی کرد داده که شما چنان عجولانه و سراسیمه عکس‌العمل و واکنش نشان می‌دهید؟». فردین علیخواه، جامعه‌شناس نیز با حیرت درباره این واکنش نوشته است: «در رسانه‌ها خواندم که آموزش و پرورش بابل برای این ویدئو بیانیه صادر کرده و گفته برخورد می‌کنیم! لطفاً آموزش و پرورش بابل (طبق آنچه در این ویدئو می‌بینیم) بفرماید جرم این دانش‌آموزان چیست و کدام رفتار آنان موجب خشم و عصبانیت مسئولان شده است؟ یعنی چه می‌شود یک بار در تاریخ پس از انقلاب، بیایید و با دیدن شادی و پایکوبی این دانش‌آموزان بگویید: ما بسیار خوشحالیم که دانش‌آموزانی شاداب و خوشحال داریم و این افتخارآمیز است».

این جامعه‌شناس می‌پرسد: «حتماً باید توبیخ کنید؟ حتماً باید دانش‌آموزان، مدیر و معلم را بترسانید که مبادا دوباره چنین کاری کنند؟».

### شاهنامه‌خوانی

## نخستین نبرد رستم و اسفندیار (۱)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

رستم کوشید با مهربانی و گرم‌زبانی، اسفندیار را بازگرداند از خواسته خود در بند کشیدنش، اما اسفندیار مگر به تن‌دادن رستم به خواسته‌اش از هیچ رویکرد دیگری خرسند نبود و تنها بر خواسته‌اش پای می‌فشرد در برابر ایستادگی رستم و او را به نبرد فراخواند که با شکست‌دادنش یا تن در بند او را به نبرد پدر برد یا پیکر بی‌جانش را. سرانجام رستم نومید و دل‌شکسته سرآبرده اسفندیار را ترک گفت و به نزد پدر بازگشت. زال که از فرجام این جنگ در هراس بود رستم را گفت بگریزد و به جایی رود که هیچ‌کس به او دسترسی نداشته باشد.

به بیغول‌های شو فرود از مهان / که کس نشنود

نامت اندر جهان

به گنج و به رنج این روان بازخرا / مبر پیش دیبای

چینی تبر

و به او اندرز داد: «به سپاه او نیز پیشکشی ببخش و بدین شیوه جان خویشتن را رهایی ده و چون او را به بازگشتن برانگیختی، خود شتابان به نزد گشتاسب برو و آیین بندگی به جای آور، چون شاه تو را ببیند دیگر با تو بدرفتاری نخواهد کرد».

رستم در پاسخ رهنمودهای پدر گفت: «ای پدر پیر من، سخن‌ها را این‌گونه آسان مگیر، من از زندگی بسیار آموخته‌ام و بسیار رویدادها را پشت سر گذارده‌ام، تو خود بهتر از همگان می‌دانی که اکنون سالیان بسیاری را پشت سر گذارده‌ام و چه بسیار بد و نیک بر من گذشته است، با دیوهای مازندران جنگیده‌ام، در هاماوران با سپاهیان چندین کشور روبروی شده‌ام، در نبرد کاووس و خاقان چین، خاقان را از پلش فروکشید، به رنج بسیار افتخارم، اگر از اسفندیار بگریزم می‌دانم که او در سیستان تمامی کاخ و ایوان تو را با خاک یکسان خواهد کرد و اگر ناگزیر شوم ببر بیان را به تن کنم، گرد از ماه و خورشید برخوادم فشانند. گفتمی با او نرمی کنم و با خواهش با او سخن بگویم به همان گونه که گفته بودی، رفتار کردم، خود را فرودست نشان دادم، دریغاً که خواهش مرا خوار گرفت و از خواهش‌های من روی گرداند. اگر از آن اوج کیوان فرود آمده، با من کنار آید، هر آنچه بخواهد از او دریغ نخواهم داشت، افسوس از هر چه با او گفتم آنچه بهر من شده، تنها باد در دست بوده است. اگر فردا جنگ را آغاز کند، دیگر دل‌نگران جانان و نباش، زیرا با او به نرمی مبارزه خواهم کرد، گویال بر سر او فرود نمی‌آورم و با همه توان کمرگاه او را نمی‌گیرم، او را اسبش به نرمی برمی‌گیرم و همانند شاهزاده‌ای با او رفتار خواهم کرد و چون دانست شکست خورده، او را به مهر بر تخت می‌نشام و در گنج به رویش می‌بشایم و سه روزی مهمان خود می‌گردانم و روز چهارم در کنار یکدیگر به درگاه گشتاسب می‌رویم و همان‌گونه در بسارگاه قباد رفتار کردیم، در بارگاه گشتاسب نیز چنین خواهم کرد».

زال از گفتار رستم بخندید و گفت: «ای پسر، چون او را از اسب فروکشیدی، سرش را از تن جدا بگردان که اگر دیوانه هم سخن تو را بشنود، این سخن را از خامی تو خواهد دانست. نخست آن که قباد را با گشتاسب یکی ندان، دوم آن که اسفندیار سپهبدی است که نامش تن‌غفور چین را به لوزه می‌افکند، می‌پنداری می‌توانی به نرمی از اسبش او را برگیری و به خانه زال آوری؟ چنین سخنان ناپخته‌ای را مگو».

و سر بر زمین نهاده، از کردگار هستی خواست تا این بد روزگار را از آنان بگرداند.

بگفت این و بنهاد سر بر زمین / همی خواند بر کردگار آفرین  
همی گفت کای داور کردگار / بگردان تو از ما بد روزگار.

## هیچ راهی دور نیست، اگر حامی باشیم...

### تامین سرویس برای

## ۱۲۵۵ دانش‌آموز دختر بازمانده از تحصیل

### حمایت از هر دانش‌آموز دختر، سالیانه ۲ میلیون تومان

شما با پرداخت هر مبلغی می‌توانید از

دانش‌آموزان دختر ما حمایت کنید.



شماره کارت بانک پاسارگاد: ۵۰۲۲-۲۹۱۹-۰۰۰۴-۶۵۹۸  
شماره حساب: ۲۶۸-۸۱۰۰-۱۱۶۲۸۴۰۴-۰۱  
شماره شبا: ۱۲۳۳-۰۵۷۰-۰۲۶۸-۸۱۰۱-۱۶۲۸-۴۰۴۱-۰۱  
انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی



www.Hamiasociation.org  
@Hami\_association  
۰۲۱-۸۸۸۴۳۸۹۷